



اقلیت علوی و حکومت عرفی در ترکیه

*David Shankland, The Alevis in Turkey: The Emergence of a Secular
Islamic Tradition, London & New York, Routledge Curzon,
2003, Xiii + 240 pp.*

مقدمه

ادیات مربوط به علویان و مسایل آنها به قدری وسعت گرفته و سرعت نشر آثار جدید در این زمینه به قدری زیاد است که حتی برای اهل فن و متخصصین نیز به روز بودن و اطلاع از آخرین آثار منتشره در این حوزه دشوار می‌نماید. فارغ از آثار ژورنالیستی و عامه فهم که اکثراً توسط خود علویان و در داخل ترکیه انتشار می‌یابد، محققان و علمای شعب مختلف علوم انسانی نیز از وجوه گوناگونی، تحولات مربوط به این اقلیت بزرگ و تأثیر آن در حال و آینده ترکیه و مسایل متنوع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از هویت‌جویی آنها را مطالعه می‌کنند. کتاب حاضر را یکی از محققان برجسته مسایل ترکیه و مدرس مردم‌شناسی (انسان‌شناسی) اجتماعی در دانشگاه بریستول انگلستان به رشته تحریر درآورده که از سابقه‌ای طولانی به جهت حضور در ترکیه و تحقیق در آن کشور برخوردار است. وی مقالات فراوان و کتب چندی در خصوص اسلام در این کشور را به رشته تألیف درآورده است.

الف. معرفی کتاب

کتاب از یک مقدمه، هشت فصل و سه ضمیمه تشکیل و بخش اعظم مطالب مطروحه و مورد بحث توسط مؤلف جمع‌آوری شده است. مؤلف در مقدمه بعد از بحث از شکل‌گیری

جمهوری ترکیه به وجوه شباهت اکثریت اهل سنت و علویان بالاخص در سطوح روستاها می‌پردازد. محور اصلی بررسی کتاب نیز جوامع روستایی است؛ چرا که فرهنگ علوی، به دلیل پیشینه سرکوب و طرد در دوران عثمانی، اساساً در مناطق روستایی و دور از دسترس، رشد کرده و باقی مانده است. (۱) شنکند، اعتقاد دارد که علی‌رغم برخی شباهت‌ها (نظیر تلقی واحد علوی‌ها و اتباع سنی از مفهوم شهروندی و یا اشتیاق هر یک جهت ترقی) به دلایلی که در فصول آتی بحث خواهد شد، علویان و شیوه زندگی سنتی آنها در مقایسه با اهل سنت، برای انطباق با جهان مدرن به تغییرات و تحولات بیشتری نیاز دارد. (ص ۵). در واقع، یکی از نمونه‌های این تفاوت، در همان برخورد اول با دو گروه خود را بروز می‌دهد؛ روستاییان سنی مذهب بسیار مشتاق‌اند تا از دین و عقاید خود سخن بگویند و دیگران را به قبول آن ترغیب نمایند. در مقابل علویان به کتمان اسرار خویش اهمیت بسیاری می‌دهند. نویسنده، با تواضع علمی، خاطرنشان می‌کند که ماحصل تحقیقات میدانی کتاب حداکثر در نقاط روستایی و آن هم نه در همه بخش‌های کشور، اعتبار خواهد داشت؛ لیکن نتیجه تحقیق، پرتوی بر مابقی جوامع علوی کشور نیز خواهد افکند.

فصل اول کتاب شنکند به رابطه دین و دولت در جمهوری ترکیه می‌پردازد. به عقیده نویسنده و به زعم اکثریت علویان، با آنکه دولت ترکیه از جنبه حقوقی و قانونی، لاییک و عرف‌گرا تلقی می‌شود؛ اما تأکید بر ایجاد انسجام و همبستگی باعث شده تا «اداره امور دینی»، کنترل مساجد را به دست بگیرد و مدارس «امام - خطیب» را با برنامه درسی واحد و یکسان در سراسر ترکیه تأسیس نماید. این امر، خواه ناخواه به تقویت موضع اهل سنت و تضعیف علویان و مذهب آنان می‌انجامد زیرا آنها را از وسایل کافی برای انتقال موارث و معتقدات خویش به نسل‌های بعدی محروم می‌کند. از این‌رو، بالاخص از اوایل دهه ۱۹۹۰، مطالبات مختلفی در این زمینه مطرح شده که از منع فعالیت اداره امور دینی در نواحی علوی‌نشین تا ایجاد دانشکده‌های الهیات علوی و گنجاندن عقاید دینی آنان در کتب درسی متغیر بوده است.

البته این وضعیت، یعنی اعتراض به تضييع حقوق اقلیت علوی و نادیده گرفتن آن، امری نسبتاً جدید است. زیرا علویان از همان نخستین روزهای تأسیس جمهوری ترکیه از آن حمایت کرده و عرف‌گرایی آنرا ستوده‌اند که پایانی بر رفتار خشونت‌آمیز و قهرآلود حکومت

خلافت با آنان بود. در آن زمان اکثریت قاطع علویان، روستانشین و گاه کوچنده بودند. نسل‌های اولیه علویان عصر جمهوری، علایق دینی نداشتند و جذب گروه‌های چپ‌گرا شدند. گرایش غیردینی و بعضاً ضددینی آنان باعث شد که مدت‌ها «علوی» با سوسیالیست و کمونیست مترادف باشد.

دیوید شنکلند با اشاره به آمارهای متناقض از جامعه علویان (متغیر از سی درصد تا ده درصد)، آنها را حدود ۱۵ درصد و زیر بیست درصد جمعیت ۶۵ میلیونی ترکیه یعنی تقریباً نه الی یازده میلیون نفر تخمین می‌زند که احتمالاً ۲۰ درصد آنها را نیز علویان کرد تشکیل می‌دهند. (ص ۲۰)

«شهرستان» عنوان فصل دوم این کتاب است که به بررسی اوضاع روستاها و مناطق شهری کوچک ترکیه و تحولات جمعیتی، فرهنگی، مهاجرت به نقاط شهری بزرگتر و خارج از کشور، روابط مهاجران با مناطق اصلی‌شان و رفتارهای سیاسی و انتخاباتی آنها می‌پردازد. فصل سوم و چهارم کتاب، روستاهای اهل سنت و علوی را با یکدیگر مقایسه می‌کند. به عقیده مؤلف، این روستاها از چند جهت با یکدیگر تفاوت دارند و عکس‌العمل آنها در قبال تحولات جامعه بزرگتر کشور، متفاوت است: در حالی که روستاییان علوی، مهاجرت به شهرهای بزرگ و علی‌الخصوص خارج از کشور را (برای کار و تهیه وسایل آسایش و معیشت) ترجیح می‌دهند؛ روستاییان سنی، ماندن در روستا و آوردن امکانات به آن نقاط و تبدیل روستا به شهر را دنبال می‌کنند. در روستاهای علوی‌نشین، «دده»‌ها که مرجع دینی نیز می‌باشند به رفع و رجوع اختلافات و مشکلات نیز می‌پردازند. اینان که به واسطه تولد در خانواده‌یی که نسبت خود را به حاجی بکتاش ولی (بنیانگذار طریقت بکتاشیه و یکی از شخصیت‌های مقدس علویان) می‌رسانند، از امتیازات خاصی برخوردارند؛ وسیله انتقال معارف و مناسک و معتقدات مذهبی نیز بوده‌اند. اما در روستای سنی‌نشین، هیچ‌کس به دلیل تولد در خانواده‌هایی خاص حق تسلط بر دیگران را ندارد اما همه مردها بر همسرانشان استیلا دارند. (ص ۵۳). حال آنکه در جامعه علوی روابط مرد وزن با مساوات بیشتری همراه است. در روستاهای اهل سنت امام جماعتی وجود دارد که برخی مراسم مذهبی را برگزار می‌کند. ائمه جماعات منسوب اداره امور دیانت‌اند و اغلب بر ایمان فردی و رعایت اصول عرف‌گرایی تأکید دارند. محل عبادت و

تجمعات مذهبی نیز مساجد است. (ص ۶۲) اما در روستاهای علویان مسجدی وجود ندارد و تفسیر دین با دده‌هاست و مراسم‌ها، که با مناسک اهل سنت تفاوت‌های زیادی دارند در جم یا جمخانه برگزار می‌شود (ص ۸۰). اسلام، عنوان عام عقاید روستاییان سنی‌نشین است و آنان اغلب اسلام را مترادف اعتقاد به نص قرآن، نمازگزاردن در مسجد و اصول خمسۀ دین می‌دانند. در مقابل، علویان ارزش این عقاید را تنزل می‌دهند و بر «شروط علوی بودن» تأکید دارند: «بر دست، زبان و شهوت خود مسلط باش» (۲) و این اصول به راحتی در معرض تفاسیر گوناگون قرار می‌گیرند. علویان به ائمه اهل تشیع اعتقاد دارند، اما خود را به ندرت با اسم دیگری غیر از علوی می‌خوانند و تمایلی ندارند که شیعه خوانده شوند و حتی برخی شیعیان را متعصبان ایرانی می‌دانند (ص ۸۵). در عین حال کتاب مقدس آنها، موسوم به بویریوق (حکم)، که از آن نسخه‌های فراوان و متفاوتی موجود است، به امام جعفر صادق (ع) نسبت داده می‌شود. (ص ۷۹) با این حال دین علویان از آن چنان انعطافی برخوردار است که پیروی از عقاید اهل سنت نیز برایشان قابل قبول می‌نماید. این انعطاف به اعتقادشان به «چهارباب» برمی‌گردد که در نزد اهل تصوف و عرفان نیز مشهور است: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت. شریعت رعایت اصول اسلام است اما سطحی و قشری؛ طریقت جستن عمق است در حقایق روزمره، معرفت آغاز کسب شناخت است؛ و حقیقت، وحدت با خداوند و وصول به توحید با الوهیت است. (ص ۸۵) مطابق این بینش، باب‌های مذکور، علی‌رغم آنکه مراتب مختلفی از دین را نشان می‌دهند و بالاترین این مراتب حقیقت است؛ همگی اعتبار دارند. علویان به تقیه هم اعتقاد ندارند.

فصل پنجم، به تفصیل انواع و اقسام مناسک و عبادات علویان را مطالعه می‌کند و بعد از شرح و بسط مناسک و شعایر متنوع و متفاوت علویان، مدعی می‌شود که اینها برداشت‌های دینی مختلفی از الوهیت را تقویت و تکمیل می‌کنند.

شاید مهم‌ترین بخش کتاب، فصل هفتم آن باشد که در آن نویسنده تأثیرات تحولات اجتماعی را بر جوامع علوی به بحث می‌گذارد. بی‌شک مهاجرت گسترده از نقاط روستایی و زندگی کوچندگی به حیات شهری مدرن تبعات بسیاری در پی دارد. افزایش سطح تحصیلات و سواد، پرسشگری نسل جوان را باعث می‌شود و به تبع آن بسیاری از حجیت‌ها و جزم‌ها و

عقاید مقبول پیشین به پرسش گرفته می‌شود. از سوی دیگر رهبران جامعه، دده‌ها، که مکانت‌شان ارثی است و اکثراً از سطح تعلیم و تحصیل کافی بهره‌مند نیستند، اندک اندک نفوذ و اعتبار خود را از دست می‌دهند (ص ۱۳۶) از همین‌روست که بسیاری از علویان، خواهان تأسیس مراکزی برای تعلیم الهیات علوی می‌باشند. اما طبق مشاهدات مؤلف در سال ۲۰۰۲، احیاگری علوی و بازگشت به سنن دینی علویان مهاجر در نقاط روستایی هم بی‌تأثیر نبوده است. به طوری که حتی در برخی مناطق که آیین‌های جم ترک شده بودند، بار دیگر احیاء شده‌اند. (ص ۱۴۶) فشار مهاجرانی که در شهرهای بزرگ سکونت گزیده‌اند و علی‌الخصوص جماعت‌ها و جمعیت‌های علوی استانبول در این امر بی‌تأثیر نبوده زیرا علاوه بر فعالیت فرهنگی، آنان از کمک‌های مالی و ارایه برخی امکانات خودداری نمی‌کنند و در عین حال خواسته‌های خود را برای تأسیس کنگره متخصصان علوی بکتابی در هر منطقه، تأیید دده‌ها، ضبط و ثبت مطالب مربوط به علویان، و درخواست از دولت برای برگزاری دوره‌های آموزشی مطرح می‌کنند. (صص ۵۰ - ۱۴۹) احیاگری مزبور بیش از آنکه جنبه دینی داشته باشد، حالت فرهنگی دارد که به ابراز و حفظ هویت آنان کمک شایانی می‌کند. احیای علوی‌گری، کمتر رنگ و بوی طریقتی و عرفانی می‌گیرد و بیشتر، صورت آیین‌های جمعی (گاه به صورت رقص‌های محلی و مانند آن) دارد. بنابراین می‌تواند با اصول کمالیسم ترکیب شده و روحیه و اخلاقی عرف‌گرا برای زیست در جامعه جدید ترکیه به وجود آورد. به زعم شنکلند، این احیاگری و جنبش پرشور علویان و انتشار کتب، نشریات و فعالیت‌های سیاسی اقدام اقلیتی نگران از جایگاهشان در جمهوری ترکیه است. (ص ۱۵۳)

در فصل هشتم، که عنوان «علویان، هویت متحول و دولت» را دارد، به روابط دولت و علویان، عرف‌گرایی و تلاش برای شناسایی رسمی اختصاص دارد. به زعم نویسنده، شباهت‌های فراوانی بین اصول ناسیونالیسم ترک و عقاید بنیانگذاران جمهوری با علویان وجود دارد. تأکید هر دوی آنها بر ریشه‌های ترکی ملت ترکیه، توجه علویان به فرهنگ ترکان قبل از اسلام و استفاده از زبان ترکی در عبادات، تأکیدشان بر انسان و اصالت او (اومانیسم)، تأکید هر دو بر سنن بومی (فولکلور، رقص محلی و ...) به عنوان سمبل‌های هویتی، از جمله این شباهت‌ها هستند. با اینحال هم دولت و هم جامعه علوی در پذیرش جایگاه علویان به عنوان

یک اقلیت دینی تردید دارند و گام‌هایی که در این زمینه برداشته شده، مضطرب و لرزان بوده است. (صص ۳ - ۱۶۱، ص ۱۵۴). بی‌شک تنوع عقاید و تفاسیر گوناگون از هویت علویان در انشقاق و اختلافات داخلی آنان مؤثر بوده است. (۳) برخی از این اختلافات بسیار مهم و در عین حال رادیکالند. برای مثال، هیچ متن معتبری در سراسر جامعه علوی وجود ندارد که مقبولیت تام و تمام داشته باشد.

فصل پایانی کتاب، آزمون نظریات ارنست گلنر در باب جوامع اسلامی در مورد جامعه علویان و ترکیه است. شنکند مدل‌گذار علویان به جامعه مدرن را در میان جوامع، راه بدیلی در مقابل راه‌های دیگر به ویژه بنیادگرایی مورد نظر گلنر محسوب می‌کند. به عقیده گلنر، سیمایی که این خلدون از جوامع اسلامی ارایه می‌دهد که در آن ظهور و سقوط مداوم قبایل و عشایر در رأس دولت را شاهدیم؛ دست کم تا عصر مدرنیزاسیون صحت و اعتبار دارد. از سوی دیگر، درگیری و اختلاف میان گروه‌های صاحب شجره و اصل و نسب، ویژگی دیگر این جوامع می‌باشد. در زمان تهدیدات ممکن است گروه‌ها با یکدیگر ائتلاف کنند و در هر حال میانجی‌ها که مقدس‌تر و معتبرتر از دیگر صاحب‌نسق‌ها و نسب‌ها می‌باشند، برای مصالحه میان گروه‌ها و افراد متخاصم تلاش می‌کنند. لذا ممکن است در زمان طغیان، زعامت را به دست گیرند و این به منزله تنظیم امور قبایل به دست خود و حل اختلافات، مستقل از حکومت مرکزی است. اما در حیات شهری و اسکان یافته، زعامت دینی صورت مکتوب‌تر و استوارتری به خود می‌گیرد. بر این اساس، داخل یا خارج از دولت بودن مسأله بسیار مهمی محسوب می‌شود و تأثیرات آن بر حیات اجتماعی چشمگیر است. این دو جامعه، اتباع متفاوتی برای دولت ایجاد می‌کنند که در اولی مطیع‌ترند. مطابق ادعای نویسنده در جریان مدرنیزاسیون، سنت اسلامی دچار دگرذیسی خواهد شد و مقدسات موروثی مورد اعتراض قرار خواهند گرفت. بنابراین، قبایل نخواهند توانست در مقابل قدرت قاهره حکومت مرکزی مقاومت کنند. همچنین رویکردهای «پیوریتنی» اتخاذ خواهند شد که در پی آن ایمان و اعتقاد اسلامی در کشورهای در حال مدرنیزه شدن یا مدرن با ناسیونالیسم می‌تواند ترکیب شود و با مغرب زمین که در آن دین، هر روز بیشتر اهمیت خود را از دست می‌دهد؛ در تعارض و تضاد قرار می‌گیرد (صص ۶-۱۷۵). در مقایسه با تحلیل گلنر، علویان ساکن نسبت به الگوی طغیان

وی خاموش تر و ساکت‌ترند. الگوی ابن‌خلدون در مورد عثمانی هم به دلیل تداوم آن چندان قابل قبول به نظر نمی‌آید. همچنین وظیفه حل اختلافات در جوامع اسکان یافته علویان همان‌طور که اشاره شد ساری و جاری است.

کتاب با سه ضمیمه (اصطلاحات ترکی، ساختار خانوار روستای مورد مطالعه و اقتصاد روستای مزبور) به پایان می‌رسد.

ب. بررسی کتاب

نویسنده کتاب، شنکند، محقق برجسته مسایل مردم‌شناسی است و سال‌های زیادی از عمر خود را در میان علویان گذرانده است. آنچه به کتاب او اعتبار و ارزش می‌بخشد توصیفات و تحلیل‌های دست اول و استادانه او از مراسم‌ها، عقاید و رفتارهای اجتماعی این اقلیت است. نویسنده، اوقات زیادی را با مهاجران علوی در شهرهای بزرگ گذرانده و آخرین انتشارات را در این زمینه در پیش چشم داشته است. آنچه در نگاه اول قابل بحث به نظر می‌رسد، عدم انطباق کامل عنوان کتاب با مندرجات آن است. عنوان به کل کشور و سنت علوی اشاره دارد، در حالی که کتاب به محیطی محدود اختصاص داشته و مؤلف خود اذعان دارد که نتایج یافته‌هایش را نمی‌توان به سراسر کشور تسری داد. نکته دیگر، پراکندگی بسیاری از مطالب است، که برخی از آنها در فصول مختلف به تکرار آمده‌اند و بعضی مطالب هم به جای طرح منسجم و دقیق به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است (مثلاً رابطه دولت و علویان که در فصل اول، دوم و هشتم از آن نکاتی ذکر می‌شود). از سوی دیگر برخی نکات را که انتظار می‌رفت در چنین کتابی بتوان دید، مورد بحث و فحص قرار نگرفته است. از جمله برداشت‌های متفاوت و متعارض از هویت علویان، نگرش‌های اهل سنت نسبت به علویان (در سطح عمومی) و فعالیت‌های سیاسی آنها. بسیاری از برداشت‌ها نیز از زاویه نگاه روستاییان است که البته محور اصلی احیاگری علوی نمی‌باشند. برخی اغلاط تایپی و املائی که در کتب اروپایی به ندرت دیده می‌شود در کتاب حاضر بیشتر است. (مثلاً صص ۴۳، ص ۱۶۷ و ص ۱۶۶...).

نتیجه گیری

اهمیت کتابی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت در کار و تحقیقات میدانی و دست اول مؤلف است. کار شنکلند گویی که توصیف محققانه یک علوی روستایی تبار از اوضاع جامعه اش می باشد و همین امر مانع شده تا وی با دیدی کلان و همه جانبه ابعاد مختلف مساله علویان را مطرح نماید.

محمدعلی قاسمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. شنکلند پیش‌تر این بحث را در جای دیگر هم مطرح ساخته بود:

Shankland, D., "An thropology and Ethnicity: the Place of Ethnography in the New Alevi Movement in T. Olssonetal (eds), *Alevi Identity*, Istantul: Swedish Reseavch Institute in Istanlul, 1998.

2. Eline, Diline Beline Sahine Oll

۳. فاروق بیلجی در مقاله‌ی چهار نگرش مختلف را نسبت به هویت و ماهیت عقاید آنان مطرح می‌کند از جمله گروه‌های چپ که آن را الهیات رهایی‌بخش و مقاومت نوده‌های محروم می‌دانند، صوفیان علوی که عشق را محور عالم می‌دانند و به پلورالیسم دینی (مسامحتاً) معتقدند، دگراندیشان مسلمان که علویان را فرقه‌ای از اسلام محسوب می‌دارند و شیعیان که گفته می‌شود از اسلام شیعی اثنا عشری و ایران الهام می‌گیرند. ر.ک به:

Faruk Bilici, "The Function Of Alevi – Bektashi Theodogy in Modern Turkey", in T. Olssonet al (eds.), op.cit, pp. 51-62.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی